

تبیین و ارائه الگو برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری

دکتر هاشم نیکومرام*

دکتر بهمن بنی مهد**

چکیده

در این تحقیق سعی شده الگویی برای برآورد محافظه‌کاری حسابداری، در شرکت‌های ایرانی تدوین شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های ایرانی در طول دوره تحقیق کاهش یافته است. بازده دارایی‌ها و رشد فروش رابطه مستقیم و نسبت جریان نقدی عملیاتی به جمع دارایی‌ها و همچنین نسبت اهرمی رابطه معکوسی با شاخص محافظه‌کاری حسابداری دارند. این نتایج عکس نتایج تحقیقات انجام شده در سایر کشورها است. این موضوع با توجه به محیط اقتصادی و اجتماعی کشورهای پیشرفته قابلیت تأیید را دارد زیرا محیط اقتصادی ایران با محیط اقتصادی آن کشورها از نظر کارایی بازار سرمایه، تفکیک مالکیت از مدیریت، خصوصی بودن صنایع کاملاً متفاوت است و قابل مقایسه با آن نیست. از این رو بر اساس نتایج این تحقیق، دولتی بودن اکثر صنایع، عدم تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت و عدم وظیفه پاسخگویی مدیران، می‌تواند از جمله عوامل تاثیرگذار بر کاهش محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های ایرانی باشد.

واژگان کلیدی

محافظه‌کاری حسابداری، بازده دارایی‌ها، بازده نقدی دارایی‌ها، اقلام تعهدی، رشد فروش، اهرم مالی.

* دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (nikoomaram@iaucss.org)

تهران - بزرگراه اشرافی اصفهانی - به سمت حصارک - دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران

** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

کرج - انتهای رجایی‌شهر - تقاطع بلوار مودن و استقلال - دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج

نویسنده مسئول یا طرف مکاتبه: دکتر هاشم نیکومرام

مقدمه

استانداردهای حسابداری به پیروی از استانداردهای بین‌المللی و انگلستان، احتیاط را به رسمیت می‌شناسد و آن را در ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری مطرح ساخته است. همچنین با انتشار صورت‌های مالی نمونه که آن را به‌عنوان راهنمایی برای تهیه صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه، معرفی می‌نماید بر تهیه صورت‌های مالی بر مبنایی محافظه‌کارانه تاکید دارد. اما همانگونه که قبلاً اشاره شد، در چارچوب مفهومی هیأت استانداردهای مالی آمریکا نه تنها هیچ جایگاهی برای محافظه‌کاری در نظر گرفته نشده است، بلکه این هیأت در تدوین استانداردهای جدید حسابداری از محافظه‌کاری فاصله گرفته است.

برای رفع تضادهای موجود در استانداردهای آمریکا و بین‌المللی از جمله تضاد در محافظه‌کاری، در اکتبر ۲۰۰۴ هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا و هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری برای تدوین چارچوب مفهومی مشترک به توافق رسیدند. در چارچوب مفهومی مشترک، محافظه‌کاری و احتیاط از ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری حذف و به جای آن بر لزوم دقت در مواجهه با عدم اطمینان تاکید شده است (FASB, 2006). از نیمه دهه ۱۹۹۰ تا کنون تحقیقات زیادی در زمینه محافظه‌کاری حسابداری در آمریکا و اروپا انجام شده است. این موضوع هنوز هم مورد بحث و مناقشه میان پژوهشگران حسابداری و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری است که تاکنون رفع نگردیده است.^۱ برخی از پژوهشگران معتقدند مدیران برای افزایش منافع شخصی خود، در استفاده از معیارهای حسابداری که مبنای اطلاع‌رسانی برای سرمایه‌گذاران است، جانبدارانه عمل می‌کنند. به باور آنها، محافظه‌کاری می‌تواند به واسطه الزام قابلیت اثبات و تایید خود، رفتار فرصت‌طلبانه و جانبدارانه مدیران را محدود نماید. اما در مقابل برخی دیگر معتقدند، محافظه‌کاری حسابداری، خود موجب بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه می‌شود و در نتیجه تعادل میان ویژگی‌های کیفی حسابداری را بر هم می‌زند (هندریکسن و برادا، ۱۹۹۲).

اما در ایران، آن‌گونه که در سایر کشورها، تحقیق درباره محافظه‌کاری حسابداری به خصوص در هزاره جدید اهمیت و رونق یافته است، و همچنان نیز ادامه دارد، تاکنون مورد توجه محققین حسابداری ایرانی قرار نگرفته است. از این رو تحقیق

محافظه‌کاری حسابداری همواره موضوع مورد بحث و چالش میان محققین و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری بوده است. هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا، محافظه‌کاری حسابداری را در ویژگی‌های کیفی چارچوب نظری جای نداده است. همچنین در سال‌های اخیر استانداردهای جدید این هیأت با رویکردی غیرمحافظه‌کارانه تدوین، و در مواردی بر گزارش رویدادها بر مبنای ارزش‌های بازار تاکید می‌شود.^۱ به عقیده این هیأت، استفاده از ارزش‌های بازار، مربوط بودن اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. این در حالی است که محققینی نظیر واتز (۲۰۰۳) و همچنین انجمن حسابداری آمریکا که اعضای آن متشکل از استادان حسابداری دانشگاه‌ها است، مخالف این روش هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا بوده و از محافظه‌کاری حسابداری دفاع می‌کنند. به باور آنها، محافظه‌کاری به دلیل ارتقای قابلیت اتکاء صورت‌های مالی موجب بهبود گزارشگری مالی می‌شود. همچنین رفتار فرصت‌طلبانه مدیر در شناسایی، سود را خنثی و پرداخت‌های اضافی به مدیران و سایر گروه‌ها را محدود می‌سازد (واتز، ۲۰۰۳).

در ایران نیز در تحقیقی که توسط پور جلالی و میک (۱۹۹۵) در مورد ارزش‌های حسابداری ایران بعد از انقلاب انجام شد، نشان می‌دهد که حسابداران به سمت محافظه‌کاری و پنهان کاری در ایران متمایل گردیده‌اند. تحقیق مزبور زمانی انجام شده است که اکثر شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران فعالیت نداشته‌اند. بنا بر آن چه گفته شد، در این تحقیق سعی می‌شود تا موضوع مجدداً بررسی شود و بر اساس نتایج تحقیق، الگویی برای اندازه‌گیری شاخص محافظه‌کاری با توجه به شرایط محیطی ایران پیشنهاد گردد.

۲- بیان مسئله

هیأت استانداردهای بین‌المللی حسابداری و هیأت استانداردهای حسابداری انگلستان، محافظه‌کاری را در سلسله مراتب ویژگی‌های کیفی اطلاعات حسابداری جای داده‌اند و از آن با واژه‌ای دیگر به نام احتیاط یاد می‌کنند و آن را یکی از مؤلفه‌های ویژگی قابلیت اتکا می‌دانند. در ایران نیز کمیته تدوین

۲. به‌عنوان نمونه مجله European Accounting Review شماره مورخ دسامبر ۲۰۰۶ خود را، کلاً به موضوع محافظه‌کاری حسابداری اختصاص داده است.

۱. نظیر استاندارد شماره ۱۱۵ در مورد سرمایه‌گذاری‌ها، استاندارد شماره ۱۴۱ در مورد ترکیب تجاری شرکت‌ها، استاندارد شماره ۱۵۷ در رابطه با اندازه‌گیری ارزش‌های متعارف

مفید است. همچنین این موضوع در مورد سهامداران، اعتباردهندگان، مدیران و سایر اشخاص طرف قرارداد نیز صدق می‌کند. اگر واحد تجاری منابعی که از اشخاص طرف قرارداد خود دریافت می‌کند، به گونه‌ای به کار گیرد که ارزشی بیش از ارزش منابع بکار گرفته شده بدست آورد، در آن صورت منافع اشخاص طرف قرارداد خود را احتمالاً تأمین نموده است و این موضوع باعث می‌شود که آنها قرارداد خود را با واحد تجاری فسخ نمایند. (ساندر، ۱۹۹۷)

۲-۴) تئوری اثباتی حسابداری

تئوری اثباتی حسابداری به روابط میان اشخاص مختلفی که منابع واحد تجاری را تأمین می‌کنند، توجه دارد و چگونگی کمک حسابداری در انجام این وظیفه را توضیح می‌دهد. نمونه‌هایی از این روابط عبارتند از رابطه بین مالکان و مدیران یا رابطه بین اعتباردهندگان و مدیران. روابط مزبور مستلزم تفویض وظیفه تصمیم‌گیری از یک طرف (مالک یا اعتباردهنده) به طرف دیگر (مدیر) است که از آن به عنوان رابطه نمایندگی یاد می‌شود. تئوری اثباتی حسابداری بر این فرض اقتصادی مبتنی است که اعمال اشخاص (مدیران) برای نفع شخصی انجام می‌شود و اشخاص این اعمال را برای افزایش ثروت خود به طریقی فرصت طلبانه انجام خواهند داد. به عبارت دیگر، این تئوری برای توضیح و پیش‌بینی رفتار مدیران شرکت‌هایی که می‌خواهند از یک رویه خاص حسابداری استفاده کنند و همچنین مدیران شرکت‌هایی که نمی‌خواهند از رویه‌ای مشخص استفاده کنند، بکار می‌رود. (دیگن، ۲۰۰۰)

۳-۴) فرضیه‌های تحقیقات اثباتی

غالباً در متون و مباحث تئوری اثباتی حسابداری، برای توضیح و پیش‌بینی اینکه چرا یک واحد تجاری با یک رویه حسابداری خاص مخالف است و یا از آن حمایت می‌کند، سه فرضیه وجود دارد. این سه فرضیه عبارتند از: فرضیه پاداش مدیریت (یا فرضیه طرح پاداش)، فرضیه بدهی (یا فرضیه بدهی به سرمایه) و فرضیه هزینه‌های سیاسی.

۱-۳-۴) فرضیه پاداش مدیریت

این فرضیه پیش‌بینی می‌کند که اگر به مدیر بر حسب یکی از معیارهای عملکرد نظیر سود حسابداری پاداش داده شود، در آن صورت مدیر در تلاش خواهد بود تا از روش‌های حسابداری استفاده کند که سود را افزایش دهد و در نتیجه پاداش او افزایش یابد.

حاضر سعی دارد تا اهمیت موضوع را در مورد شرکت‌های ایرانی مورد بررسی قرار دهد.

۳- هدف تحقیق

این تحقیق بطور کلی دو هدف عمده را مد نظر دارد. هدف اول شناسایی و تعیین مؤلفه‌های مؤثر بر محافظه‌کاری حسابداری در راستای بهبود در گزارشگری مالی است. در صورت تحقق هدف مزبور، هدف دوم آن است که الگویی مناسب برای برآورد محافظه‌کاری حسابداری ارائه شود.

۴- مبانی نظری تحقیق

۱-۴) تئوری قرارداد^۱

بر اساس تئوری قرارداد، هر واحد تجاری را می‌توان مجموعه‌ای از قراردادهای میان سهامداران، مدیران، کارکنان، فروشندگان، مشتریان، دولت، اعتباردهندگان فرض نمود. هر یک از گروه‌های مذکور، قراردادی جدا با شرکت دارند. با توجه به اندازه و بزرگی واحد تجاری تعداد افراد درگیر در این قراردادها، ممکن است کم یا زیاد باشند. آنچه که در همه قراردادهای برای همه افراد مشترک می‌باشد، آن است که هر شخص برای تأمین منابع، تعهدی نسبت به واحد تجاری دارد و در عوض نیز حق و حقوقی از منافع آن واحد خواهد داشت. سهامداران و اعتباردهندگان منابع مالی مورد نیاز واحد تجاری را تأمین می‌کنند و در عوض بازده مورد انتظار خود را می‌خواهند. مدیران و کارکنان مهارت خود را به شرکت عرضه می‌کنند و انتظار جبران آن از طریق حقوق و پاداش دارند. فروشندگان، مواد اولیه و یا تجهیزات را به شرکت می‌فروشند و در عوض انتظار دریافت وجه آن را دارند. مشتریان در ازای خرید کالاها و یا خدمات به واحدهای تجاری پول پرداخت و یا تعهد پرداخت آن را تقبل می‌کنند. همچنین دولت در ازای دریافت مالیات، خدمات عمومی را به شرکت ارائه می‌دهد. (ساندر، ۱۹۹۷)

در مدل قراردادی مذکور، فرض می‌شود که اشخاص درگیر قرارداد، عمدتاً به دنبال منافع شخصی خود هستند. بنابراین همکاری آنها با واحد تجاری تا زمانی ادامه خواهد داشت که برای آنها منفعتی وجود داشته باشد. سازمانی موفق است که در فرآیند تنظیم قرارداد به اشخاص طرف قرارداد خود، منافع لازم را برساند. اگر حقوق کارمند در یک واحد تجاری بیشتر از واحدهای تجاری دیگر باشد، در آن صورت اشتغال او سودمند و

۲-۳-۴) فرضیه بدهی

فرضیه مزبور پیش‌بینی می‌کند که نسبت بالای بدهی به سرمایه در شرکت‌ها، به احتمال زیاد موجب خواهد شد تا مدیران از روش‌های حسابداری افزایش‌دهنده سود استفاده کنند. نسبت بالای بدهی به سرمایه منجر می‌شود که شرکت در قراردادهای بدهی خود با الزامات و شرط‌هایی از جانب وام‌دهنده روبرو شود. الزامات مزبور، احتمال نقض قرارداد و وقوع هزینه‌های ناشی از نکول بدهی را افزایش می‌دهد. مدیران با انتخاب روش‌های حسابداری افزایش‌دهنده سود در تلاش هستند تا از الزامات قراردادهای بدهی و هزینه‌های نکول بکاهند.

۳-۳-۴) فرضیه هزینه سیاسی

این فرضیه پیش‌بینی می‌کند که شرکت‌های بزرگ در مقایسه با شرکت‌های کوچک به احتمال زیاد از رویه‌های حسابداری استفاده می‌کنند که سود را کمتر نشان دهند. اندازه و بزرگی شرکت شاخصی برای توجه و مد نظر بودن سیاسی است. از این رو اگر مدیران شرکت‌ها ببینند که در کانون توجه سیاسی قرار دارند، این انگیزه را دارند تا از روش‌های حسابداری استفاده کنند که سود را کمتر نشان دهند. آنها با اینگونه اعمال و رفتار سعی دارند تا احتمال انجام اقدامات سیاسی علیه شرکت را کاهش دهند و به موجب آن هزینه‌های مورد انتظار سیاسی کاهش یابد. هزینه‌هایی که از سوی اتحادیه‌های کارگری به منظور افزایش دستمزد در پی افزایش سود از شرکت‌ها درخواست می‌شود از جمله هزینه‌های سیاسی است.

۴-۴) تعریف محافظه‌کاری حسابداری

باسو (۱۹۹۷) محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالایی از اثبات و تایید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید. این تعریف، محافظه‌کاری را از دیدگاه سود و زیان توصیف می‌نماید. اما تعریف دیگر، تعریف محافظه‌کاری از دیدگاه ترازنامه است. براساس این دیدگاه، در مواردی که تردیدی واقعی در انتخاب بین دو یا چند روش گزارشگری وجود دارد، آن روشی باید انتخاب شود که کمترین اثر مطلوب بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد. تعریف سوم درباره محافظه‌کاری بر پایه دیدگاه ترکیبی ترازنامه و سودوزیان است. در دیدگاه سوم، محافظه‌کاری، یک مفهوم حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریع‌تر هزینه، ارزیابی پایین دارایی و ارزیابی بالای بدهی می‌شود

(گیولی و هین، ۲۰۰۰). در این تحقیق از تعریف سوم برای محاسبه شاخص محافظه‌کاری استفاده شده است.

۵-۴) تئوری اثباتی حسابداری و محافظه‌کاری

با توجه به مطالب فوق، تئوری‌های اثباتی حسابداری با دیدگاه قراردادی درباره شرکت، ارتباط تنگاتنگی دارد. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، براساس این دیدگاه واحد تجاری به مثابه مجموعه‌ای از قراردادهای میان گروه‌های مختلف است، همچنین می‌توان به حسابداری به عنوان زبانی برای نوشتن قراردادهای مزبور نگاه کرد. براساس دیدگاه قراردادی، رویه‌های حسابداری ابزاری برای کاهش تضاد منافع میان گروه‌های مختلف طرف قرارداد با شرکت است. در این میان حسابداری اثباتی فرض می‌کند که محافظه‌کاری حسابداری به واسطه الزام قابلیت اثبات و تایید بالا برای شناخت درآمد، و یا قابلیت اثبات و تایید پایین برای شناخت هزینه در رابطه با قراردادهای پاداش میان سهامداران و مدیران، به وجود آمده است. در غیاب محافظه‌کاری ممکن است مدیران با شناسایی درآمدهایی که هنوز تحقق نیافته‌اند به سود مورد نظر خود دست یابند و بر اساس آن پاداش اضافه‌تری دریافت نمایند. به نظر می‌رسد که در صورت عدم تحقق آن درآمدها در آینده، جبران رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیر مشکل باشد و ارزش شرکت نیز کاهش یابد (واتر و زیمرمن، ۱۹۸۶). واتر (۲۰۰۳) معتقد است که محافظه‌کاری بیشتر به تئوری قراردادهای مرتبط است. همچنین به نظر واتر (۲۰۰۳)، محافظه‌کاری مکانیزم مؤثری برای رفع تضاد منافع در قراردادهای بدهی است. به عقیده او محافظه‌کاری بواسطه کم‌نمایی دارایی‌ها موجب محدود شدن تقسیم سود و کاهش هزینه‌های نمایندگی مرتبط با قرارداد بدهی می‌شود. بنابراین محافظه‌کاری حسابداری رابطه مستقیمی با فرضیه‌های تحقیقات اثباتی دارد.

۶-۴) پیشینه تحقیق

باسو (۱۹۹۷) در تخمین شاخص محافظه‌کاری، رابطه بین عایدات و بازده سهام را از طریق رگرسیون بررسی نمود. او دریافت در شرکت‌هایی که بازده سهام آنها منفی است، بازده سهام همبستگی بیشتری با عایدات دارد تا در شرکت‌هایی که بازده سهام آنها مثبت است. باسو دریافت در دوره‌هایی که دعاوی قضایی در آمریکا افزایش یافته است، محافظه‌کاری نیز افزایش یافته است. گیولی و هین (۲۰۰۰) طی تحقیقی نشان دادند، سودآوری در طی چهار دهه گذشته، در آمریکا کاهش

و محافظه‌کاری وجود دارد.

بال و همکاران (۲۰۰۰) طی تحقیقی به این نتیجه می‌رسند، در کشورهایی که قوانین آنان براساس عرف جامعه تعیین می‌شود (مانند آمریکا، استرالیا، انگلستان و کانادا)، استفاده از ارقام منتشر شده صورت‌های مالی در قراردادها باعث شده است که ارقام سود، بسیار محافظه‌کارانه محاسبه شود تا نسبت به کشورهایی که فاقد قوانین عرفی (مانند فرانسه، آلمان و ژاپن) هستند. بال در تحقیق دیگر (۲۰۰۲) به این نتیجه می‌رسد، چهار کشور آسیایی، هنگ کنگ، مالزی، سنگاپور و تایلند که همه این کشورها از استانداردهای حسابداری کشورهایی نظیر انگلستان و آمریکا اقتباس کرده‌اند، محافظه‌کاری کمتری نسبت به انگلستان و آمریکا داشته‌اند. همچنین فقدان اعتماد به افشای عمومی و قراردادها در کشورهای آسیایی باعث کاهش محافظه‌کاری در این کشورها شده است. هولتاسن و واتز (۲۰۰۱) دریافتند که در دوران قبل از استانداردگذاری، محافظه‌کاری وجود داشته و در دوره حاکمیت هیأت استانداردهای حسابداری مالی آمریکا میزان آن افزایش یافته است.

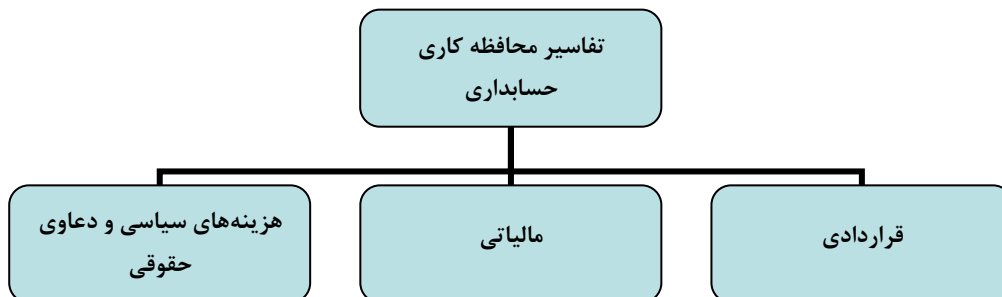
۵- فرضیه‌ها

تحقیق در مورد محافظه‌کاری حسابداری، از جمله تحقیقات اثباتی در حسابداری است. لذا سعی شده است تا با استفاده از فرضیه‌های تحقیقات اثباتی و تفاسیر موجود در زمینه محافظه‌کاری حسابداری، فرضیه‌هایی برای این تحقیق در نظر گرفته و سپس آزمون شود. واتز (۲۰۰۳)، برخی از تفاسیر با اهمیت مربوط به محافظه‌کاری حسابداری را به شرح زیر بیان می‌نماید.

یافته است. اما این کاهش، موجب کاهش جریان‌های نقدی نشده است. همچنین توزیع سود خیلی پراکنده شده است و نسبت به جریان‌های نقدی چولگی به چپ دارد. نتایج تحقیق آنها به این موضوع اشاره دارد که شناخت اخبار بد نسبت به اخبار خوب زودتر انجام می‌شود، و درجه محافظه‌کاری در گزارشگری مالی در آمریکا افزایش یافته است.

بیور و ریان (۲۰۰۰) رابطه بین معیار محافظه‌کاری، با هزینه استهلاک، تحقیق و توسعه و هزینه تبلیغات و ذخیره کاهش ارزش موجودی تحت روش LIFO را بررسی کردند. بیور و ریان در این بررسی دریافتند که هزینه استهلاک به روش نزولی، هزینه تحقیق و توسعه و هزینه تبلیغات بر محافظه‌کاری اثر منفی و معکوس دارند. اما شاخص ذخیره کاهش ارزش موجودی تحت روش LIFO اثر مثبت دارد. آنها توضیح می‌دهند که ذخایر LIFO در دوره ۱۹۹۳-۱۹۸۱ یعنی دوره‌ای که شرکت‌ها در دوره رشد قرار داشتند و بازارها نیز سودآور نبودند، زیاد است.

نتایج تحقیق پنمن و ژانگ (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری به هزینه بردن مخارج سرمایه‌ای را تسریع می‌بخشد، این موضوع می‌تواند موجب کاهش سود و ایجاد ذخایر مخفی شود. در نتیجه کیفیت سود به واسطه محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. براساس تحقیق احمد و همکاران (۲۰۰۲) محافظه‌کاری، تضاد منافع بین سهامداران و وام‌دهندگان در تقسیم سود را کاهش می‌دهد و افزایش محافظه‌کاری موجب کاهش هزینه‌های مالی شرکت می‌شود. همچنین احمد در تحقیق دیگری (۲۰۰۵) نتیجه می‌گیرد، محافظه‌کاری حسابداری مانع سرمایه‌گذاری مدیران در پروژه‌هایی با بازده منفی می‌شود. همچنین او درمی‌یابد که رابطه مستقیمی بین درصد سهام متعلق به اعضای هیأت مدیره



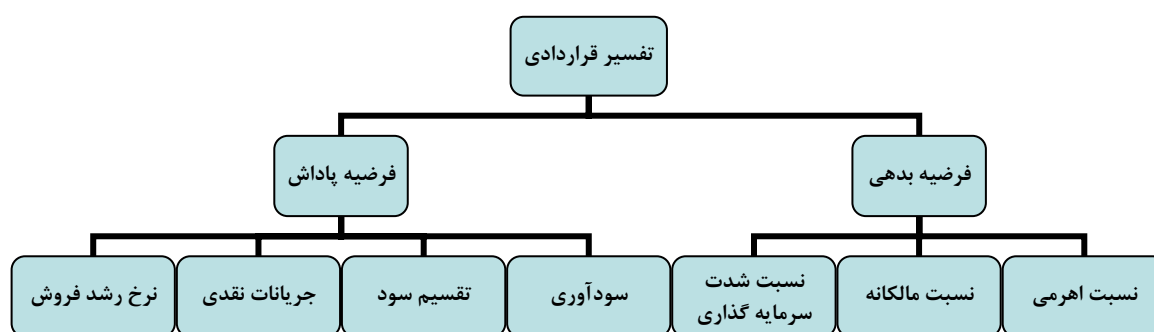
میان مدیران و آن گروه‌ها، مدیران شرکت‌ها سعی خواهند کرد تا با انجام رفتارهای جانبدارانه، آن ارقام را به نفع خود دستکاری نماید. مثلاً سود و یا دارایی‌ها را افزایش و بدهی‌ها را

تفسیر قراردادی، بیان می‌کند اگر قراردادهای شرکت با گروه‌های مختلف مانند سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان براساس ارقام حسابداری تنظیم شود، آنگاه به علت وجود تضاد منافع

نظریه‌های سیاسی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و هزینه‌های سیاسی و دعاوی حقوقی آنها بیشتر است. در این مورد نیز محافظه‌کاری حسابداری، از طریق بکارگیری روش‌های محافظه‌کارانه حسابداری می‌تواند هزینه‌های مزبور را کاهش دهد (واتز، ۲۰۰۳).

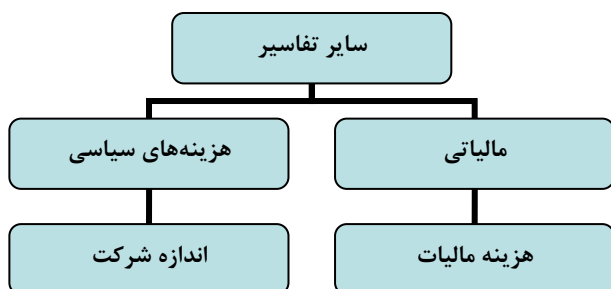
در این تحقیق با پیروی از تحقیقات انجام شده خارجی، نظیر تحقیق احمد و همکاران (۲۰۰۲) و تحقیق گیولی و هین (۲۰۰۰) به منظور آزمون فرضیه شاخص‌هایی برای هریک از تفاسیر فوق در نظر گرفته شده است. این شاخص‌ها به تفکیک هر تفسیر به شرح زیر می‌باشند.

کاهش می‌دهند. در این میان محافظه‌کاری از طریق به تأخیر انداختن شناخت سود و کمتر از واقع نشان دادن خالص دارایی‌ها، رفتار جانبدارانه مدیر را خنثی می‌کند (واتز، ۲۰۰۳). به عقیده واتز، مالیات نیز می‌تواند منشا محافظه‌کاری باشد. در این دیدگاه محافظه‌کاری با به تأخیر انداختن شناخت درآمدها و تسریع در شناخت هزینه‌ها، پرداخت‌های مالیاتی را به تعویق می‌اندازد. بنابراین ارتباط تنگاتنگی میان محافظه‌کاری حسابداری و مالیات وجود دارد (واتز، ۲۰۰۳). براساس تفسیر هزینه‌های سیاسی و دعاوی حقوقی، شرکت‌های بزرگ و سودآور در مقایسه با شرکت‌های کوچک، از



هرچه سودآوری شرکت‌ها بیشتر باشد محافظه‌کاری حسابداری نیز بیشتر است. گیولی و هین در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که محافظه‌کاری علاوه بر سودآوری با شاخص بازده نقدی دارایی‌ها که بوسیله نسبت جریان‌های نقدی عملیاتی به جمع دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود نیز رابطه مستقیمی دارد. براساس نتایج دو تحقیق فوق، رشد فروش نیز رابطه مستقیمی با محافظه‌کاری حسابداری دارد.

شاخص‌های مربوط به فرضیه بدهی، شاخص‌هایی هستند که تضاد منافع میان مدیر و اعتباردهندگان را نشان می‌دهند. نتایج تحقیق احمد و همکاران او نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که نسبت اهرمی (بدهی بلند مدت به جمع دارایی) بالا و یا به عبارتی نسبت مالکانه (جمع حقوق صاحبان سرمایه به جمع دارایی) پایین باشد، از رویه‌های محافظه‌کارانه بیشتری نسبت به سایر شرکت‌ها استفاده می‌کنند. همچنین آنها نسبت دارایی ثابت به جمع دارایی‌ها را شاخصی برای فزونی و شدت سرمایه‌گذاری تعریف می‌نمایند. به عقیده آنها اگر این نسبت در شرکتی بالا باشد، در آن صورت آن شرکت از رویه‌های محافظه‌کارانه بیشتری استفاده خواهد کرد (احمد، ۲۰۰۲).



شاخص‌های مربوط به فرضیه پاداش، شاخص‌هایی هستند که تضاد منافع میان مدیران و سهامداران و همچنین تضاد منافع میان اعتباردهندگان و سهامداران را نشان می‌دهند. نتایج تحقیق احمد و همکاران (۲۰۰۲) بیانگر آن است که اگر تضاد منافع میان وام‌دهندگان و سهامداران در تقسیم سود وجود داشته باشد، در آن صورت مدیران شرکت‌های وام‌گیرنده، احتمالاً اشتیاق بیشتری به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری دارند. همچنین نتایج تحقیق احمد و همکاران (۲۰۰۲) و تحقیق گیولی و هین (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که

واتز و زیمرمن (۱۹۷۸) معتقدند که شرکت‌هایی که با هزینه‌های سیاسی بالا مواجه هستند، تمایل زیادی به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری دارند. در تایید عقیده آنها احمد و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند که شرکت‌های بزرگ، از روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه بیشتری نسبت به سایر

۷- قلمرو زمانی تحقیق

قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۳ (یک دوره یازده ساله) تعیین شده است. دلایل انتخاب این دوره به شرح زیر است:

- اطلاعات و داده‌های بیشتری از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، طی سال‌های مذکور، در سازمان بورس اوراق بهادار موجود است.

- هرچه تعداد مشاهدات بیشتر باشد، اعتبار نتایج تحقیق نیز بیشتر است.

لذا با توجه به موارد فوق داده‌های شرکت‌های مورد مطالعه، برای یک دوره یازده ساله انتخاب شد.

۸- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، از نوع تحقیق همبستگی و تحقیق ترکیبی است. در تحقیق ترکیبی، مبانی نظری موضوع مورد پژوهش، از طریق مطالعات کتابخانه‌ای بدست می‌آید. به دلیل عدم وجود تحقیقات در مورد موضوع پژوهش در ایران، برای بررسی مبانی نظری محافظه‌کاری حسابداری، تماماً از منابع خارجی استفاده شده است. در این راستا از نظرات و راهنمایی‌های محققین خارجی استفاده گردید.

۹- متغیرهای مورد مطالعه

متغیر وابسته در تحقیق حاضر، شاخص محافظه‌کاری حسابداری است. اما متغیرهای مستقلی که اثر آنها بر شاخص محافظه‌کاری به‌عنوان متغیر وابسته مورد بررسی قرار می‌گیرد، عبارتند از: اندازه شرکت، نسبت ذخیره مالیات به جمع دارایی، نسبت بدهی بلندمدت، نسبت تقسیم سود، شاخص سودآوری (بازده دارایی)، نرخ رشد فروش، نسبت دارایی ثابت به جمع دارایی‌ها، نسبت حقوق صاحبان سهام به جمع دارایی‌ها و نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات به جمع دارایی‌ها. از میان متغیرهای فوق، متغیر اندازه شرکت، بازده دارایی، نرخ رشد فروش و نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات متغیرهای کنترل‌کننده هستند. شاخص سودآوری (بازده دارایی)، اندازه شرکت و نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات، به طور بالقوه از نظر تئوریک محرک‌های محافظه‌کاری حسابداری محسوب می‌شوند. از نظر تئوری، شرکت‌های بسیار سودآور نسبت به سایر شرکت‌ها بهتر می‌توانند از عهده رویه‌های محافظه‌کاری حسابداری برآیند. بنابراین در این تحقیق فرض می‌شود که

شرکت‌ها استفاده می‌کنند. از این رو، با توجه به اهداف تحقیق فرضیه‌های زیر مطرح شده‌اند:

الف) فرضیه‌های مربوط به تفسیر قراردادی:

(۱) بین محافظه‌کاری حسابداری و بازده دارایی‌ها (شاخص سودآوری)، رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

(۲) بین محافظه‌کاری حسابداری و نسبت تقسیم سود رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

(۳) بین محافظه‌کاری حسابداری و نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات به جمع دارایی‌ها رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

(۴) بین محافظه‌کاری حسابداری و نرخ رشد فروش رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

(۵) بین محافظه‌کاری حسابداری و نسبت بدهی بلندمدت به جمع دارایی‌ها رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

(۶) بین محافظه‌کاری حسابداری و نسبت حقوق صاحبان سهام به جمع دارایی‌ها رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

(۷) بین محافظه‌کاری حسابداری و نسبت دارایی‌های ثابت به جمع دارایی‌ها رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

ب) فرضیه‌های مربوط به تفاسیر مالیاتی و هزینه‌های سیاسی:

(۸) بین محافظه‌کاری حسابداری و نسبت ذخیره مالیات به جمع دارایی‌ها رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

(۹) بین محافظه‌کاری حسابداری و اندازه شرکت‌ها رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد.

۶- قلمرو مکانی تحقیق

قلمرو مکانی تحقیق، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. دلایل این انتخاب به شرح زیر است:

- دسترسی به اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس امکان‌پذیر است.

- معیارها و ضوابط خاصی برای پذیرش و ادامه فعالیت شرکت‌ها در بورس و نحوه گزارشگری آنها وضع شده است. از این رو به نظر می‌رسد اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی این شرکت‌ها از اعتبار لازم برخوردار و همگن‌تر باشد.

- دسترسی به اطلاعات شرکت‌های پذیرفته نشده در بورس عملاً میسر نبوده و ارقام آنها فاقد اعتباری معادل داده‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار است.

مجموع مجذورات واریانس بیان شده توسط خط رگرسیون برابر ۲۵/۳۱۲ و مجموع مجذورات واریانس بیان نشده توسط خط رگرسیون برابر ۸/۱۵۰ است. درجه آزادی واریانس بیان شده توسط خط رگرسیون برابر ۷۲ و درجه آزادی واریانس بیان نشده توسط خط رگرسیون برابر ۶۵۴ و آماره F برابر ۲۸/۲۱۲ می‌باشد.

در آزمون فوق سطح معنی‌داری در ناحیه رد H_0 می‌افتد و فرضیه H_1 تایید می‌شود. بنابراین فرض H_0 مبنی بر عدم وجود خط رگرسیون در سطح اعتماد ۹۵ درصد و یا خطای پنج‌درصد رد می‌شود. بنابراین آزمون فوق صحت مدل را تایید می‌نماید. همچنین ضریب تعیین مدل رگرسیون (R^2) که نسبتی از واریانس بیان شده به کل واریانس را نشان می‌دهد با توجه به جدول شماره ۲-۳-۱۲ برابر ۷۵/۶ درصد است. این موضوع بیانگر آن است که ۷۵/۶ درصد تغییرات متغیر وابسته (Cons) براساس تغییرات متغیرهای مستقل مدل بیان می‌شود و مابقی آن متأثر از سایر عواملی است که در این مدل قابل مشاهده نیستند.

۱۲-۴) نتایج آزمون برای هر صنعت

- فرضیه اول و فرضیه سوم در تمام صنایع پذیرفته و تایید شده است. فرضیه اول رابطه بین بازده دارایی‌ها (شاخص سودآوری) و محافظه‌کاری حسابداری و فرضیه سوم رابطه بین نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات به جمع دارایی‌ها (بازده نقدی دارایی‌ها) به محافظه‌کاری حسابداری را مورد بررسی قرار می‌دهد. همان‌گونه که ذکر شد، نتایج تجزیه و تحلیل آزمون فرضیه نشان می‌دهد در تمام صنایع بازده دارایی‌ها و نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات به جمع دارایی‌ها، هر دو با محافظه‌کاری حسابداری رابطه معنی‌دار دارند.

- فرضیه دوم که رابطه میان نسبت تقسیم سود را با محافظه‌کاری بررسی می‌کند، فقط در صنعت خودرو تایید و در سایر صنایع رد شده است.

- فرضیه چهارم رابطه بین نرخ رشد فروش و محافظه‌کاری را بررسی می‌نماید، این فرضیه در صنایع تولید ماشین‌آلات برقی، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات، سیمان و لاستیک و پلاستیک پذیرفته شده و در سایر صنایع رد شده است.

- فرضیه پنجم رابطه بین نسبت بدهی بلند مدت به جمع دارایی‌ها با محافظه‌کاری را بررسی می‌نماید. این فرضیه در چهار صنعت تولید ماشین‌آلات برقی، پالایش نفت، ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات و استخراج معدن تایید و در سایر

۱۲-۲) مدل محافظه‌کاری حسابداری

در آزمون فرضیه مشخص شد که بازده دارایی‌ها، نسبت بدهی بلند مدت به جمع دارایی‌ها، نسبت تقسیم سود، رشد فروش و نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات به جمع دارایی‌ها، با محافظه‌کاری حسابداری رابطه معنی‌دار دارند و بر آن تاثیرگذار هستند. تدوین مدل نهایی با توجه به متغیرهای فوق که با محافظه‌کاری رابطه معنی‌دار دارند به روش Inter انجام شده است. در این روش از میان متغیرهای شاخص سودآوری، نسبت بدهی بلند مدت به جمع دارایی‌ها، شاخص تقسیم سود، رشد فروش و جریان نقدی حاصل از عملیات که رابطه آنها با محافظه‌کاری حسابداری در آزمون فرضیه تایید شد. فقط رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری با شاخص تقسیم سود در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود و بقیه مورد تایید قرار می‌گیرد. بنابراین مدل محافظه‌کاری حسابداری به صورت زیر از جدول شماره ۱-۲-۱۲ استخراج می‌گردد:

$$\text{CONS} = 0.836 \text{ ROA} + 0.02103 \text{ SALEGRO} - 0.395 \text{ LEV} - 1.124 \text{ CFO} + \varepsilon$$

که در آن:

CONS = شاخص محافظه‌کاری هر شرکت در هر سال

ROA = بازده دارایی هر شرکت در هر سال

SALES GRO = نرخ رشد فروش هر شرکت در هر سال نسبت به سال قبل

LEV = نسبت اهرمی هر شرکت در هر سال، برابراست با جمع بدهی بلند مدت به جمع دارایی‌ها

CFO = نسبت جریان نقدی حاصل از عملیات به جمع دارایی‌ها در هر شرکت در هر سال

ε = میزان خطای مدل

۱۲-۳) آنالیز واریانس

آنالیز واریانس (Anova) توان خط رگرسیون برای بیان مقادیر مشاهده شده متغیر تابع را ارزیابی می‌نماید.

فرضیه‌های این آزمون به صورت زیر بیان می‌شود:

H_0 : رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود ندارد.

H_1 : رابطه خط رگرسیون میان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل وجود دارد.

نتایج این آزمون در جدول شماره ۱-۳-۱۲ آورده شده است. این جدول شامل آماره‌های مجموع مجذورات، درجه آزادی، مجذور میانگین، آماره F و سطح معنی‌داری است.

مالکیت بطور محتوایی جدا نیست. به عبارت دیگر، به علت وجود سهامداران عمده در ترکیب سهامداران شرکت‌ها و به دنبال آن عدم تفکیک محتوایی مالکیت از مدیریت، تضاد منافع میان مالک و مدیر مشاهده نمی‌شود. مالک به راحتی به اطلاعات نزدیک است و به آن دسترسی دارد و در نتیجه به کیفیت و محتوای اطلاعات حسابداری اهمیت چندانی نمی‌دهد. بنابراین وظیفه پاسخگویی و حق حساب‌خواهی در روابط میان مدیر و مالک مشاهده نمی‌شود. از این رو، کاهش عملکرد واقعی و اقتصادی شرکت‌ها احتمالاً بیشتر تحت تاثیر عوامل فوق است تا سایر عوامل. در محیطی که مدیر خود را در مقابل کسی پاسخگو نداند و سهامدار نیز دنبال حساب‌خواهی نباشد. شرایط برای بروز رفتارهای فرصت‌طلبانه برای مدیر فراهم می‌شود. در نتیجه مدیر در راستای منافع شخصی خود عمل خواهد نمود. بدیهی است رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیر، موجب بروز مشکلات کارگزاری می‌شود. مشکلات مذکور منجر به اتخاذ تصمیمات غیر بهینه و تخصیص غیرکارایی منابع توسط مدیر می‌شود و در نهایت ارزش شرکت کاهش می‌یابد. در ایران با توجه به آنچه که گفته شد می‌توان استدلال کرد، به دلیل عدم کارایی تئوری قرارداد، مدیران تمایلی به استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری ندارند و با کاهش ارزش شرکت و عملکرد واقعی آن، استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری نیز کاهش می‌یابد.

ب) محافظه‌کاری حسابداری با افزایش بدهی‌های بلندمدت کاهش می‌یابد.

با توجه به مدل، نسبت بدهی بلندمدت به جمع دارایی‌ها، اثری معکوس بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. یعنی اگر این نسبت افزایش یابد، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد. این نتیجه هم احتمالاً می‌تواند در راستای عدم کاربرد تئوری قرارداد در محیط ایران باشد. به نظر می‌رسد رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیر برای افزایش منافع شخصی خود، منجر به تخصیص غیرکارایی منابع در شرکت‌ها ایرانی گردیده است. افزایش بدهی‌های بلندمدت در شرکت‌های ایرانی که در نتیجه عملکرد مدیران آن شرکت‌ها صورت گرفته است، منجر به آن شده است تا مدیران با اجتناب از رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری، سود شرکت‌ها که مبنای ارزیابی عملکرد آنان است را افزایش دهند. از دیدگاه تئوری، افزایش سود و تقسیم نقدی آن از طریق استقراض، موجب بروز تضاد منافع شدید میان سهامداران و اعتباردهندگان می‌شود. نگاهی به تقسیم سود شرکت‌ها در تاریخ مجمع و

صنایع رد شده است.

- فرضیه ششم رابطه بین نسبت حقوق صاحبان سهام به جمع دارایی‌ها را با محافظه‌کاری بررسی می‌نماید، تنها در صنعت ساخت تجهیزات و ماشین‌آلات و صنعت سیمان و کانی‌های غیرفلزی مورد تایید قرار گرفته و در سایر صنایع رد شده است.

- فرضیه هفتم رابطه میان نسبت دارایی ثابت به جمع دارایی‌ها با محافظه‌کاری حسابداری را بررسی می‌نماید. این فرضیه فقط در صنعت تولید مواد غذایی مورد تایید قرار گرفت و در سایر صنایع پذیرفته نشد.

- فرضیه هشتم رابطه بین نسبت ذخیره مالیات به جمع دارایی‌ها با محافظه‌کاری حسابداری را مورد بررسی قرار می‌دهد. این فرضیه تنها در صنعت ساخت فلزات اساسی تایید شد و در سایر صنایع تایید نشد.

- فرضیه نهم رابطه بین اندازه شرکت و محافظه‌کاری را بررسی می‌نماید، این فرضیه تنها در صنعت منسوجات تایید و در سایر صنایع رد شده است.

۵-۱۲) مدل محافظه‌کاری حسابداری برای هر صنعت

جدول شماره ۱-۵-۱۲ بطور خلاصه مدل به دست آمده برای هر صنعت را نشان می‌دهد. از میان مدل‌های استخراج شده برای هریک از صنایع، تنها در صنعت ساخت فلزات اساسی و صنعت لاستیک و پلاستیک به علت کافی نبودن مشاهدات، آماره نامناسبی برای دوربین واتسن به دست آمده و در نتیجه در صنایع مذکور، مدل قابل تایید نیست.

۶-۱۲) سایر یافته‌های تحقیق

الف) کاهش محافظه‌کاری به علت کاهش بازده تعهدی و نقدی دارایی‌ها

با توجه به نتایج بدست آمده از مدل، محافظه‌کاری حسابداری با کاهش شاخص سودآوری (یعنی بازده دارایی‌ها) رابطه‌ای مستقیم و با کاهش نسبت جریان نقدی عملیاتی به دارایی‌ها (بازده نقدی دارایی‌ها) رابطه‌ای معکوس دارد. نمودارهای شماره ۱-۶-۱۲ و ۲-۶-۱۲ موضوع را به وضوح نشان می‌دهند. براساس نمودارهای مزبور می‌توان استدلال نمود که کاهش شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها) و کاهش عملکرد واقعی و اقتصادی (بازده نقدی دارایی‌ها) در شرکت‌های مورد تحقیق، منجر به کاهش محافظه‌کاری حسابداری شده است. نتایج مزبور شدیداً به شرایط محیطی ایران وابسته است. در ایران مدیریت از

مدیران شرکت‌ها با اجتناب از محافظه‌کاری حسابداری، سعی در افزایش سود برای توجیه عملکرد ضعیف خود دارند. لذا به احتمال بسیار زیاد، استفاده از محافظه‌کاری برای کاهش میزان مالیات از دیدگاه مدیران شرکت‌ها، معنی‌دار نبوده است.

ز) در هر صنعت، محافظه‌کاری حسابداری به شاخص‌های عملکرد وابسته است.

در تمام صنایع محافظه‌کاری تحت تاثیر بازده تعهدی دارایی‌ها و بازده نقدی دارایی‌ها (شاخص عملکرد واقعی و اقتصادی) است. این موضوع استدلال‌های فوق در مورد عملکرد مدیران را تایید می‌نماید. همچنین صنعت نساجی کمترین شاخص محافظه‌کاری حسابداری و شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها) و صنعت نفت بیشترین شاخص محافظه‌کاری و شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها) را به خود اختصاص داده‌اند.

۱۳- مقایسه نتایج تحقیق با تحقیقات مشابه

نتایج تحقیق حاضر در بیشتر موارد، عکس نتایج تحقیقات انجام شده در آمریکا است. این موضوع با توجه به محیط اقتصادی و اجتماعی آمریکا کاملاً مورد تایید می‌باشد. محیط اقتصادی ایران با محیط اقتصادی آمریکا از نظر کارایی بازار سرمایه، تفکیک مالکیت از مدیریت، خصوصی بودن صنایع کاملاً متفاوت بوده و قابل مقایسه با آن نیست. در ذیل بطور خلاصه نتایج تحقیق حاضر با تحقیقات انجام شده در آمریکا مقایسه می‌شود.

- در ایران محافظه‌کاری رو به کاهش است، اما در آمریکا روندی صعودی دارد. (Basu 1997, Givoly & Hayn, 2000, Ahmed & et al, 2000)

- شاخص سودآوری (بازده دارایی‌ها) و جریان نقدی حاصل از عملیات شرکت‌های ایرانی، روندی نزولی دارد ولی در مورد شرکت‌های آمریکایی این روند، روندی صعودی است. (Givoly & Hayn, 2000)

- در ایران اندازه شرکت‌ها اثری بر محافظه‌کاری حسابداری ندارد. اما در آمریکا اندازه شرکت‌ها بر محافظه‌کاری حسابداری اثری معکوس دارد. یعنی شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک محافظه‌کاری حسابداری بیشتری دارند. (Ahmed & et al, 2002)

- در ایران شاخص سودآوری (بازده دارایی) کاهش یافته است و به دنبال آن محافظه‌کاری نیز کاهش یافته است. اما در آمریکا شاخص سودآوری (بازده دارایی) افزایش و محافظه‌کاری نیز افزایش یافته است. (Ahmed & et al, 2002)

انتشار اوراق مشارکت بلافاصله بعد از مجمع عمومی سالانه برای تامین مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار خود گواهی بر این ادعا است.

ج) با افزایش رشد در عملیات شرکت‌ها، محافظه‌کاری نیز افزایش می‌یابد.

رشد و توسعه شرکت ارتباط مستقیمی با محافظه‌کاری حسابداری دارد. یعنی اگر شرکتی در عملیات خود رشد داشته باشد، محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. در این تحقیق، شاخص رشد در عملیات شرکت، نرخ رشد فروش تعریف شده است. براساس نتایج بدست آمده، رشد فروش اثر بسیار ناچیزی (حدود ۲ درصد) بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. این مقدار در مقایسه با سایر شاخص‌های تاثیرگذار بر محافظه‌کاری بسیار ناچیز است. بازده نقدی دارایی‌ها حدود ۱۱۲ درصد و نسبت بدهی بلندمدت حدود ۴۰ درصد اثر منفی بر محافظه‌کاری حسابداری دارند. اثر کم رشد فروش بر محافظه‌کاری، تفاسیر فوق را در رابطه با عملکرد مدیران تایید می‌نماید.

د) نسبت تقسیم سود بر محافظه‌کاری حسابداری تاثیر دارد.

نسبت تقسیم سود بر محافظه‌کاری حسابداری تاثیر دارد. اما عامل تقسیم سود نسبت به سایر عوامل، تاثیری در محاسبه محافظه‌کاری حسابداری از طریق مدل در سطح اطمینان ۹۵ درصد ندارد. اما در سطح اطمینان حدود ۸۶ درصد می‌توان آن را با ضریب ۰،۰۱۱ وارد مدل نمود. در سطح اطمینان ۸۶ درصد اثر شاخص تقسیم سود، اثری مثبت خواهد بود. یعنی با افزایش یک درصد در میزان تقسیم سود، محافظه‌کاری نیز یک درصد افزایش می‌یابد.

ه) اندازه شرکت‌ها بر محافظه‌کاری حسابداری اثری ندارد. این موضوع نشان‌دهنده آن است که کاهش محافظه‌کاری که به احتمال بسیار زیاد، در نتیجه کاهش بازده در عملکرد اقتصادی شرکت‌ها است، به اندازه شرکت‌ها ربطی ندارد. به عبارت دیگر، این احتمال وجود دارد که در همه شرکت‌ها با اندازه‌های بزرگ و کوچک، مدیران عملکرد یکسانی داشته‌اند که آن عملکرد منجر به کاهش محافظه‌کاری حسابداری شده است. یا اینکه تعداد شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک در بورس اوراق بهادار زیاد نیستند. لذا محافظه‌کاری حسابداری متأثر از اندازه شرکت‌ها نیست.

و) نسبت ذخیره مالیات به جمع دارایی‌ها اثری بر محافظه‌کاری حسابداری ندارد. از آنجائیکه عملکرد واقعی و اقتصادی شرکت‌ها در طول دوره تحقیق روندی نزولی دارد، و

نمونه آماری تحقیقات آتی، موضوع مجدداً مورد بررسی قرار گیرد.

- با توجه به فرضیه‌های تحقیق بررسی شود آیا مدلی که این تحقیق برای محاسبه شاخص محافظه‌کاری حسابداری استفاده نموده است یعنی مدل گیولی و هین، نتایج یکسانی با سایر مدل‌ها خواهد داشت یا خیر؟

- اثر برخی از متغیرهای اقتصادی نظیر ریسک، و همچنین متغیرهای کیفی نظیر ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی که مسلماً بر محافظه‌کاری تاثیرگذار هستند، در این تحقیق در نظر گرفته نشده است. لذا پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی موارد مذکور مد نظر قرار گیرد.

- بررسی اینکه آیا تغییرات قوانین مثلاً قانون تجارت و یا قانون مالیات موجب تغییر در استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری می‌شود یا خیر؟

- محافظه‌کاری در شرکت‌های سهامی خاص و شرکت‌های سهامی عام با مالکیت دولتی و غیردولتی بررسی شود.

- رابطه بین ورشکستگی شرکتها و محافظه‌کاری حسابداری بررسی شود.

- رابطه بین هزینه سرمایه و محافظه‌کاری بررسی شود.

۱۶- نتیجه‌گیری

محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های مورد تحقیق کاهش یافته است. این کاهش، به‌واسطه کاهش در بازده تعهدی و نقدی دارایی‌ها در شرکت‌های مزبور است. شواهد مزبور نشان می‌دهند که کاهش در بازده نقدی و تعهدی دارایی‌ها، احتمالاً ناشی از عدم کاربرد تئوری قرارداد در ایران و فقدان وظیفه پاسخگویی در مدیران می‌باشد.

- در اقتصاد آمریکا، محافظه‌کاری یک مکانیزم قراردادی کارآمد برای کاهش تعارض‌های تقسیم سود بین سهامداران و اعتباردهندگان است. هر چه چنین تعارض‌هایی بیشتر باشد، محافظه‌کاری شرکت‌ها نیز بیشتر خواهد بود (Ahmed & at el, 2002). در ایران با افزایش بدهی‌ها و هزینه‌های مالی، محافظه‌کاری کاهش می‌یابد.

- در ایران نسبت ذخیره مالیات به جمع دارایی‌ها اثری بر استفاده از رویه‌های محافظه‌کارانه حسابداری ندارد. در آمریکا نیز اثر مالیات بر محافظه‌کاری حسابداری مستمر و پایدار نیست. (Watts, 2003)

۱۴- محدودیت‌های تحقیق

این پژوهش همانند سایر تحقیقات با محدودیت‌هایی روبرو بوده است. در ذیل آن محدودیت‌ها فهرست می‌شوند:

- تفکیک محافظه‌کاری مستتر در سودوزیان و ترازنامه با استفاده از مدل امکان‌پذیر نبوده است.

- عدم استفاده از برخی از مدل‌های محاسبه محافظه‌کاری به دلیل عدم وجود اطلاعات آن مدل‌ها در ایران

- در محاسبه ارقام تعهدی عملیاتی منعکس در صورت‌های مالی شرکت‌ها، این امکان وجود دارد، ارقام غیرعملیاتی نیز در آن وجود داشته باشد، که تفکیک آن امکان‌پذیر نبوده است.

- امکان اندازه‌گیری اثرات برخی از عوامل نظیر عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی که مسلماً بر شاخص محافظه‌کاری حسابداری اثرگذار هستند، امکان‌پذیر نبوده است.

۱۵- پیشنهادات برای تحقیقات آتی

این بخش از مقاله برخی از پیشنهادات حاصل از نتایج تحقیق را به طور خلاصه ارائه می‌نماید.

- در این تحقیق اندازه شرکت رابطه‌ای با محافظه‌کاری نداشته است. لذا پیشنهاد می‌شود با افزایش تعداد شرکت‌ها در

منابع و مأخذ

- ۱- حساس یگانه، یحیی «تاثیر گزارش حسابرسان مستقل بر تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان»، مطالعات حسابداری شماره ۱، صص ۴۱ تا ۵۵، (۱۳۸۲)
- ۲- دلاور، علی «مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی»، انتشارات رشد، (۱۳۷۴)
- ۳- ساروخانی، باقر «روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی»، جلد اول، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، (۱۳۷۳)
- ۴- سازمان حسابرسی «استانداردهای حسابداری»، نشریه شماره ۱۶۰، صص ۴۹۸، (۱۳۸۱)،
- ۵- شباهنگ، رضا «حسابداری مدیریت»، انتشارات سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۱۳۱، صص ۱۵۵ الی ۱۶۳، (۱۳۷۸)

- ۶- شباهنگ، رضا «ماهیت تئوری حسابداری و فرآیند تکامل تدریجی آن»، مجله حسابرس شماره ۱۳، صص ۱۶ الی ۲۰، (۱۳۸۰)
- ۷- مدرس، احمد و عبدالله زاده، فرهاد «مدیریت مالی»، جلد اول، صص ۱۱ الی ۱۳، شرکت نشر بازرگانی، (۱۳۷۸)
- ۸- هندریکسن و ون برادا «تئوری حسابداری»، جلد اول، ترجمه پارسائیان، صص ۱۸۲ الی ۱۸۴، (۱۹۹۲)

- 1- Ahmed, A. S., Billings, B. K., Morton, R. M. and Stanford-Harris, M. (2002) The role of accounting conservatism in mitigating bondholder-shareholder conflicts over dividend policy and in reducing debt costs, *The Accounting Review*, 77(4), pp. 867-890.
- 2- Ball, R., Kotari, S.P. and A.Robin, (2000), The effect of International Institutional Factors on Properties of Accounting Earnings, *Journal of Accounting and Economics* 29, PP 1-51
- 3- Ball, R. and Shivakumar, L. (2005) Earnings quality in UK private firms: Comparative loss recognition timeliness, *Journal of Accounting and Economics*, 39(1), pp. 83-128.
- 4- Ball, R. and Shivakumar, L. (2006) The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition, *Journal of Accounting Research*, 44(2), pp. 207-242.
- 5- Basu, S. (1997), The Conservatism Principle and The Asymmetric Timeliness Earnings, *Journal of Accounting & Economics* 24, PP.3-37
- 6- Beaver, W. H. (1998) *Financial Reporting: An accounting revolution*, 3rd ed. (Upper Saddle River, NJ: Prentice-Hall).
- 7- Beaver, W. H. and Ryan, S. (2000) Biases and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity, *Journal of Accounting Research*, 38(1), pp. 127-148
- 8- Beaver, W. H. and Ryan, S. G. (2005) Conditional and unconditional conservatism: concepts and modeling, *Review of Accounting Studies*, 10(2/3), pp.269-309.
- 8- Deegan Craig, *Financial Accounting Theory*, Mc Graw-Hill, 2000
- 9- Easton, P. and Pae, J. (2004) Accounting conservatism and the relation between returns and accounting data, *Review of Accounting Studies*, 9(4), pp. 495-521
- 10 - FASB, (February 2006) *Conceptual Framework – Joint Project of IASB and FASB, Latest Revision*, www.fasb.com
- 11- García Lara, J. M. and Mora, A. (2004) Balance sheet versus earnings conservatism in Europe, *European Accounting Review*, 13(2), pp. 261-292.
- 12- García Lara, Beatriz G. Osma, Fernando Penalva (2006), Cost of Equity and Accounting Conservatism, IESE Business School, University of Navara
- 13- Givoly, D. and Hayn, C. (2000) The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?, *Journal of Accounting and Economics*, 29(3), pp. 287-320.
- 14- Givoly, D. and Hayn, C. (2002) Rising conservatism: Implications for financial analysis, *Financial Analysts Journal*, 58(1), pp. 56-74.
- 15- Givoly, D., Hayn, C. and Natarajan, A. (2007) Measuring reporting conservatism' *The Accounting Review* (volume 82, issue 1)
- 16- Hanna, J. (2003). "Conservatism and Accounting Measurement." Working paper, Southern Methodist University.
- 17- Holthausen, R. and R. Watts. (2001). "The Relevance of the Value-Relevance Literature for Financial Accounting Standards Setting." *Journal of Accounting and Economics* 31, 3-75.
- 18- Pae, J., Thornton, D. B. and Welker, M. (2005) The link between earnings conservatism and the price-to-book ratio, *Contemporary Accounting Research*, 22(3), pp. 693-717.
- 19- Penalva, F., García Osma, B. and García Lara, J. (2006) Cost of Equity and Accounting Conservatism, Working paper, IESE Business School Barcelona.
- 20- Penman, S. H. and Zhang, X. J. (2002) Accounting conservatism, quality of earnings, and stock returns, *The Accounting Review*, 77(2), pp. 237-264.
- 21- Pope, P. E. and Walker, M. (2003) Ex-ante and ex-post accounting conservatism, asset recognition and asymmetric earnings timeliness, Working paper, Lancaster University/University of Manchester.
- 22- Pourjalali Hamid and Meek Gary, (1995), Accounting and culture: The Case of Iran, *The International Journal of Accounting* PP 42-56
- 23 - Qiang Xinrong, (2005) Accounting Conservatism among Firms: Cross-Sectional tests of the litigation and Contracting cost Hypothesis, University of Wyoming
- 24- Richardson, G. and Tinaikar, S. (2004) Accounting based valuation models: What have we learned?, *Accounting and Finance*, 44(2), pp. 223-255.
- 25- Roychowdhury, S. and Watts, R. I. (2006) Asymmetric timeliness of earnings, market-to-book and conservatism in financial reporting, Working paper, Sloan School of Management, MIT.
- 26- Scott, R. William, (2000) *Financial Accounting Theory*, Prentice Hall
- 27- Skerrat, Len (2004), Does the Basu (1997) Model Really Measure? [http://accounting-notes.com/conservatism in earnings?](http://accounting-notes.com/conservatism_in_earnings/)
- 28- Sunder, Shyam (1997), *Theory of Accounting and control*, South western College Publishing.
- 29- Van Staden, Chris (1999) Aspects of the Predictive and explanatory Power of Value Added Information in South Africa, *SA Journal of Accounting Research* Vol 13 No.2 PP 53-75
- 30- Watts Ross & Zimmerman Jerold (1978), Towards a Positive Theory of the Determinants of Accounting Standards, *The Accounting Review*, Vol LIII, No 1
- 31- Watts Ross & Zimmerman Jerold, (1986), *Positive Accounting Theory*, prentice-Hall, Englewood Cliffs, New Jersey
- 32- Watts Ross & Zimmerman Jerold, (1990), *Positive Accounting Theory: A Ten Year Perspective*, *The Accounting Review*, Vol. 65, PP. 259- 285
- 33- Watts, R. L. (2003a) Conservatism in accounting, Part I: Explanations and implications, *Accounting Horizons*, 17(3), pp. 207-221.
- 34- Watts, R. L. (2003b) Conservatism in accounting, Part II: Evidence and research opportunities, *Accounting Horizons*, 17(4), pp. 287-301.

جدول شماره ۱۲-۱-۲

Coefficients^a

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
16	(Constant)	.103	.008		13.122	.000
	cfo/asset	-1.119	.029	-.914	-38.486	.000
	ROA	.845	.027	.806	31.377	.000
	LEV	-.368	.021	-.403	-17.910	.000
	SALESGRO	2.357E-02	.006	.084	4.141	.000
	DPS/EPS	1.501E-02	.007	.043	2.081	.038

a. Dependent Variable: CON

جدول شماره ۱۲-۱-۳

Excluded Variables

Model	Beta In	t	Sig	Partial Correlation	Collinearity Statistic
					Tolerance
E/ASS	.27	1.045	.296	.039	.608
SIZE	.003	.121	.904	.005	.788
FIX ASSET/TOTAL ASSET	.001	.049	.961	.002	.841
TAX	-.006	-.293	.769	-.011	.861

Dependent Variable: CON

جدول شماره ۱۲-۲-۱

Coefficients^{a,b}

Model		Unstandardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig.
		B	Std. Error	Beta		
1	DPS/EPS	1.126E-02	.008	.046	1.470	.142
	ROA	.836	.033	1.028	25.640	.000
	SALESGRO	2.103E-02	.006	.080	3.509	.000
	LEV	-.395	.036	-.476	-11.042	.000
	cfo/asset	-1.124	.030	-1.129	-37.177	.000

a. Dependent Variable: CON

b. Linear Regression through the Origin

جدول شماره ۱-۳-۱۲

ANOVA^{c,d}

Model		Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
1	Regression	25.312	72	.352	28.212	.000
	Residual	8.150	654	1.246E-02		
	Total	33.462	726			

c. Dependent Variable: CON

d. Linear Regression through the Origin

جدول شماره ۲-۳-۱۲

Model Summary^{c,d}

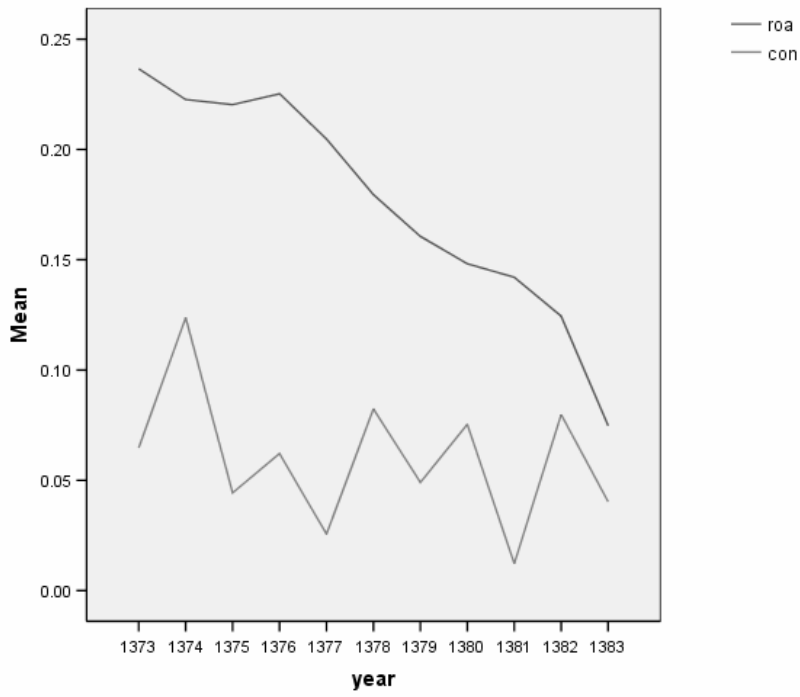
Model	R	R Square	Adjusted R Square	Std. Error of the Estimate	Change Statistics					Durbin-Watson
					R Square Change	F Change	df1	df2	Sig. F Change	
1	.870	.756	.730	.1116	.756	28.212	72	654	.000	1.849

c. Dependent Variable: CON

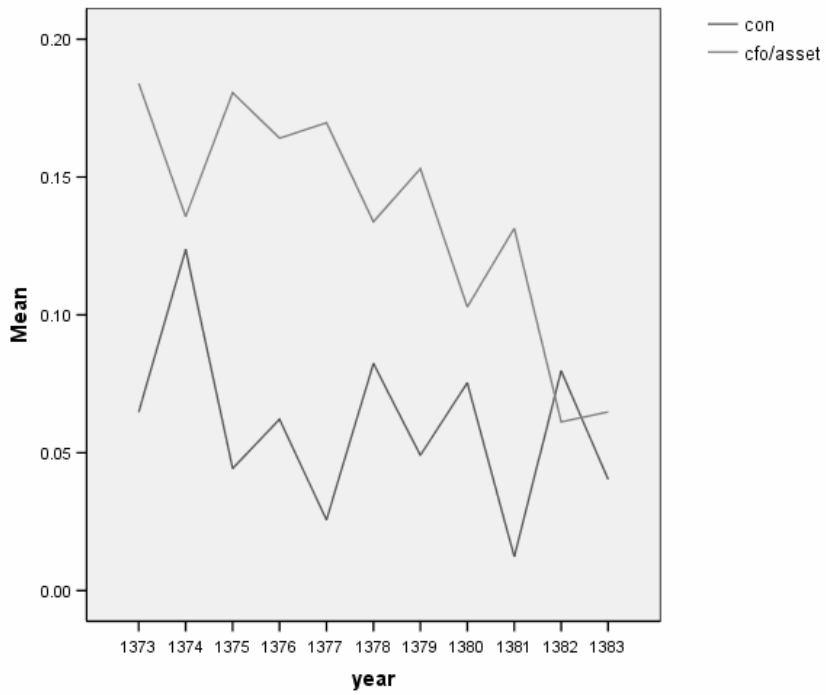
d. Linear Regression through the Origin

جدول شماره ۱-۵-۱۲: مدل محافظه‌کاری برای هر صنعت

وضعیت تأیید یا رد مدل	Durbin Watson	ANOVA		درصد R2	مدل	نوع صنعت
		F	Sig			
تائید می‌شود	۲,۰۵۷	۲۳,۶	۰	۸۲,۲	Cons=0.722ROA+0.058SALESGRO-1.468LEV-1.005CFO	ماشین آلات برقی
تائید می‌شود	۱,۷۶۳	۲۳۳,۱۸	۰	۹۸,۹	Cons=1.177ROA+3.857LEV-1.418CFO	پالایش نفت
تائید می‌شود	۲,۰۲۷	۲۸,۶۱۱	۰	۷۹,۸	Cons=0.439ROA-0.0469DPS-1.157CFO	خودرو
تائید می‌شود	۱,۷	۲۱,۳۹۲	۰	۸۲,۶	Cons=0.447ROA+0.119SALEGRO-0.223LEV-1.04CFO	ساخت تجهیزات
تائید می‌شود	۱,۸۸۴	۶۱,۸۳	۰	۸۹,۳	Cons=0.135E+0.95ROA+0.05SALEGRO-1.257CFO	سیمان و کانی غیر فلزی
تائید می‌شود	۲,۱۸۹	۴۱,۶۱۶	۰	۸۸,۱	Cons=1.7ROA-1.416CFO	شیمیایی
تائید می‌شود	۱,۷۰۱	۲۳,۲۳۲	۰	۸۰,۶	Cons=0.601ROA-1.035CFO	فلزی فابریکی
رد می‌شود	۲,۵۹۱	۲۹,۳۲۱	۰	۸۲,۲	Cons=1.174ROA- 1.72CFO+1.783TAX	ساخت فلزات اساسی
تائید می‌شود	۲,۲۰۳	۳۳,۰۰۷	۰	۸۵,۵	Cons=1.784ROA-1.211CFO	انتشارات و کاغذ
رد می‌شود	۲,۷۷۳	۳۷,۱۰۸	۰	۸۹,۲	Con=0.767ROA+0.116SALEGRO-0.997CFO	پلاستیک و لاستیک
تائید می‌شود	1.898	40.849	۰	۹۳,۹	Cons=0.743ROA+0.969LEV-1.103CFO	استخراج معدن
تائید می‌شود	۲,۲۱۸	22.553	۰	۷۵,۱	Cons=1.092ROA-0.51FIXASSET-0.861CFO	مواد غذایی
تائید می‌شود	1.745	97.732	۰	94.9	Cons=1.069ROA-0.0351SIZE-0.985CFO	منسوجات



نمودار شماره ۱-۶-۱۲



نمودار شماره ۲-۶-۱۲